



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

شجاعت این است که انسان در موقع لزوم در برابر حوادث و مخاطرات و رنج‌ها و مشقت‌ها ایستادگی کند. شجاعت، ترسیدن نیست. مثلاً آن کس که با کمال بی پروایی در کوچه و خیابان مرتکب حرکات شرم آور می‌شود، شجاع خوانده نمی‌شود.

شجاع، کسی است که از مرگ و خطر و عواقب کارهای بد بترسد؛ ولی در موقع نرس، خود را نیازد و دست و پای خود را گم نکند. فرماندهی که در زیر آتش توپ‌خانه دشمنیر جان خود می‌نرسد؛ یا وجود آن، ناب می‌آورد و وظیفه خود را انجام می‌دهد، فرد شجاعی است. حتی زمانی که با زیردستی و مهارت، عقب نشینی می‌کند، شجاع است. وقتی باید او را نرسو خواند که در مقابل دشمن، عقل خود را از نرس گم کند و به کاری دست یزند که به زود لشکریانش تمام شود.

شجاعت فقط شجاع بودن در میدان جنگ نیست. یکی از شجاعت‌ها، شجاعت اخلاقی است. شجاعت اخلاقی آن است که انسان، نظر و عقیده درست خود را با جرئت، بیان کند و در بیان حقیقت از هیچ چیز و هیچ کس حراس نداشته باشد.

شجاعت یکی از خصیلت‌های نیکوی انسان است. شجاعت به انسان، نیرو، اعتماد و دایری می‌بخشد. جامعه‌ای که افراد آن شجاع باشند؛ مرکز در برابر دشمنان، تسلیم زور و ستم نمی‌شوند و از حق خود به خوبی دفاع می‌کنند.

◆ احمد بهمنیار، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۷۲، با کاهش و تغییر

موضوع:

پرسش‌ها:

- ۱. شجاعت، یعنی چه.....؟
- ۲. شجاع، چه کسی است.....؟
- ۳. شجاعت چند نوع است.....؟
- ۴. شجاعت بر انسان چه اثرهایی می‌گذارد؟

الف) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتند.
 ب) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتن.

جمله الف درست است. می دانیم که «مصدر» یا «فعل» تفاوت ندارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می کند و معمولاً در پایان جمله ها قرار می گیرد! اما مصدر این ویژگی ها را ندارد.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

◆ گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن.

..... گفتن و نوشتن جدا از هم نیستند

◆ آنها هم برای خودشان عقیده هایی داشتن.

..... آنها هم برای خودشان عقیده هایی دارند